

مراشوه خاص و تازه است و داشت
همان تشبوه باستان
عضری
خاقانی

فصل چهارم سبک آذربایجانی

در اواسط قرن ششم سبکی در شعر فارسی به وجود آمد که به سبک آذربایجانی موسوم شد علت این نام گذاری نیز آن بود که اغلب شاعران خطه آذربایجان ابداع گران و رواج دهندگان آن بودند شاعرانی چون خاقانی شروانی، نظامی گنجوی، فلکی شروانی، مجیر الدین بیلقانی، ابوالعلاء گنجوی. این سبک اگر چه دیری نیاید و سخنگویان رسمی آن تا اوایل قرن هفتم بیشتر حیات نداشتند اما تأثیر آن در شعر فارسی بسیار مهم و پر دامنه بود. شاعرانی چون خاقانی و نظامی چه از نظر فرم و شکل ظاهری شعر و چه از دیدگاه محتوا و اندیشه سالیان سال بر شعر و ادب فارسی نفوذ داشتند. تأثیر پذیری های شاعرانی چون: مولانا جلال الدین، حافظ، سلمان ساوجی، عرفی شیرازی، قآنی شیرازی از خاقانی شروانی و استقبال شاعرانی مانند: امیر خسرو دهلوی، خواجوی کرمانی، عبید زاکانی، جامی، هاتفی، مکتبی،

وحشی بافقی، وصال شیرازی از پنج گنج یا خمسه نظامی دلیل بارزی است بر اهمیت و شکوه سبک آذربایجانی و جایگاه رفیع آن در پهنه ارزشمند ادب فارسی. مهمترین خصایص سبکی این مکتب عبارتند از:

۱- از دیدگاه قالب - در سبک آذربایجانی همه نوع قالب شعری امکان بروز پیدا کرده است منتهی قالب قصیده در این سبک نیز مانند دیگر سبکهای شعری قرون چهارم تا ششم ادب فارسی رواج بیشتری دارد. غیر از نظامی که قهرمان مثنوی سرایی است دیگر شاعران این سبک بیشتر به قصیده سرایی پرداخته‌اند قصاید این شاعران اغلب طولانی است و بیشتر آنها به «تجدید مطلع»^(۱) علاقه نشان داده‌اند. یکی از نکات زیبای قصاید سبک آذربایجانی بهره‌گیری از «ردیف» است، بسیاری از قصاید شاعران این سبک مزین به انواع ردیفهاست. و از این نظر بر موسیقی کلام شعرشان افزوده گردیده است، بسیاری از ردیفها در شعر آنها مبتکرانه و کاملاً جدید است، بعضی از ردیفها از یک کلمه بیشتر است و گاه به یک جمله می‌رسد و همچنین گاه ترکیبی است از اسم و فعل. این نوع ردیفها واقعاً زیباست و از خصایص برجسته سبک آذربایجانی محسوب می‌گردد.

ذیلاً به نمونه‌هایی از ردیف سازی در اشعار شاعران این سبک اشارت می‌شود: خاقانی ردیف «بر نتابد بیش از این» را که یک جمله است و مرکب از فعل و اسم می‌باشد در قصیده زیبایی با مطلع زیر آورده است:

کوی عشق، آمد شد ما، بر نتابد بیش از این

دامن تر بردن آنجا بر نتابد بیش از این^(۲)

همین شاعر ردیف «شوم ان شاء الله» را که نیز مرکب از فعل و اسم است در قصیده‌ای دیگر با مطلع زیر آورده است:

به خراسان شوم ان شاء الله آن ره آسان شوم ان شاء الله^(۳)

در دیوان خاقانی ردیفهای نو و تازه‌ای همچون: «کعبه»، «آینه»، «انگیخته»، «نیابی»، «چکنم»، «نخواهی یافتن»، «نکوتر است» به کار رفته است که حاکی از توانایی شاعر و قدرت خلق ترکیبات ابتکاری اوست.

در دیوان فلکی شروانی ردیف «نگر» که ردیفی مبتکرانه است در قصیده‌ای با مطلع زیر آمده است:

آن رخ رخشان و زلف عنبر افشانش نگر

و آن لب و دندان چون لؤلؤ و مرجانش نگر (۴)

این نوع ردیف سازی‌ها بی تردید زیبایی‌های خاصی دارد. و ذوق و هنر صاحبان سبک آذربایجانی را نمایان می‌کند.

در غزل نیز شاعران سبک آذربایجانی دستی توانا دارند، علی‌رغم اینکه در بادی امر چنین به نظر می‌رسد که این شاعران استاد قصیده‌اند و شکوه و عظمت قصیده، آنها را به طرف خود کشیده است؛ اما می‌بینیم که آنها در غزل سریای نیز بی شک استادند، چنانکه قبلاً نیز اشاره شد غزل‌های این شاعران بعدها مورد تقلید شاعران بزرگی چون مولوی، امیر خسرو، حافظ، سلمان، خواجه، جامی و... گردید.

غزل سبک آذربایجانی لطیف، عاطفی، هنرمندانه و خواندنی است مخصوصاً غزلیات خاقانی و نظامی بسیار روان و گیرا سروده شده‌اند، در غزلها نیز این شاعران به ردیف سازی‌های مبتکرانه و هنری پرداخته و بر موسیقی آن افزوده‌اند. در ترکیب بند سازی این شاعران استادند و ترکیب بندهای خوب و هنرمندانه از خود به یادگار گذارده‌اند، در این ترکیب بندها نیز ردیفهای نو و نازه و آهنگین فراوان است، برای نمونه خاقانی ترکیب بندی دارد با مطلع:

خوش خوش به روی ساقیان، لب گشت خندان صبح را

گویی به عود سوخته، شستند دندان صبح را (۵)

که علاوه بر اینکه وزن آن شاد و رقصان است آوردن ردیفهایی کاملاً جدید و ذوقمند موسیقی و دلنوازی آن را صد چندان کرده است. ردیفهایی از قبیل «آیدت»، «بین در او»، «تازه کن»، «بینمش»، «باد هم» علاوه بر جنبه موسیقایی آنها اغلب ترکیب یافته از اسم و فعل هستند که هنرمندانه می‌باشند، حال و هوای دیگر ترکیب بندهای وی نیز چنین است. علاوه بر این خاقانی سعی کرده است که بیت‌های بند این ترکیبات را نیز هنرمندانه با ترکیبات مبتکرانه آرایش دهد که حاکی از ذوق سرشار وی است برای نمونه به چند بیت از اینگونه بندها اشارت می‌شود:

فرمان ده اسلامیان، دارای دوران اخستان

عادلتر بهرامیان، پرویز ایران اخستان (۶)

کیخسرو آرش کمان، شاه جهانبان چون پدر

اسکندر آتش سنان خضر نهان دان چون پدر^(۷)

فردوس مجلس داوری کارواح دربان زبیدش

اجرام موکب صفدری کافلاک میدان زبیدش^(۸)

شاه معظم اخستان شهر گشای راستین

داد ده ظفرستان ملک خدای راستین^(۹)

سام کیخسرو مکان در شرق و غرب

خضر اسکندر نشان در شرق و غرب^(۱۰)

ترکیب بندهای موجود در دیوان فلکی شروانی نیز بر چنین منوال است، وی

ترکیب بندی دارد با مطلع:

سوری که حور در وی پیرایه برگشاید رضوان گه نثارش عقد گهر گشاید^(۱۱)

که در آن نیز علاوه بر وزن شاد و رقصان از ردیفهایی چون: «بینی»، «زبید»،

«بادا»، «نهاده» استفاده شده است که زیبا و آهنگین است.

در مثنوی سازی نیز این شاعران طبع آزمایی کرده‌اند که از همه مهمترین

مثنوی‌های خمسه نظامی است نظامی با سرودن خمسه بارگاهی رفیع در پهنه ادب

فارسی بنا کرد که از باد و طوفانهای روزگار خراب نمی‌شود، اگر بنا شود که آثاری را

که به تقلید از خمسه نظامی ساخته‌اند جمع آوری کنیم خود یک کتابخانه‌ای عظیم

و ارزشمند می‌شود. علاوه بر مثنوی‌های حکیم نظامی از مثنوی‌های دیگر خوب

این سبک مثنوی تحفة العراقین خاقانی است که در بحر هزج (مفعول مفاعلهن

فعولن) ساخته شده است.

یکی دیگر از قالبهای مورد توجه این شاعران قالب رباعی است، مخصوصاً

خاقانی در رباعی سازی - مانند دیگر قوالب شعری - دستی توانا دارد. بعضی از

رباعیات منسوب به خیام از خاقانی است^(۱۲) مثلاً رباعی زیر به خیام نسبت داده

شده است:

دانی ز جهان چه طرف بربستم هیچ وز حاصل ایام چه در دستم هیچ

شمع خردم ولی چو بنشستم هیچ آن جام جمجم ولی چو بشکستم هیچ^(۱۳)

قطعه سازی نیز در این سبک کم و بیش رواجی دارد. علاوه بر این قوالب

خاقانی مبادرت به سرودن قصاید عربی نیز کرده است که توانایی و تسلط او را بر

این زبان اثبات می‌کند.

۲- از دیدگاه وزن: در سبک آذربایجانی از تمام وزنهای رایج شعر فارسی بهره گرفته شده است، تنوع اوزان چه در مثنوی‌ها و چه در قصاید و غزلیات این دوره کاملاً مشهود است، البته در مثنوی‌های حکیم نظامی از بحر رمل استفاده نشده است. یک نکته قابل ملاحظه در اوزان سبک آذربایجانی این است که این شاعران از وزن‌های رقصان و شاد زیاد استفاده کرده‌اند منتهی در بسیاری از موارد این شادی و رقصانی را با نوعی وقار و شکوه در هم آمیخته‌اند که تعبیر نگارنده از آن «اوزان مطمئن» می‌باشد بدین ترتیب:

رقصانی + وقار و شکوه (نوعی هاله دار بودن وزن) = وزن مطمئن (۱۴)

یکی از اوزانی که در سبک آذربایجانی رایج است و اینگونه شاعران بدان علاقه نشان داده‌اند وزن مفتعلن مفاعلهن مفتعلن مفاعلهن (از مزاحفات بحر رجز) است برای نمونه به چند مورد اشارت می‌شود:

قصیده‌ای از خاقانی با مطلع:

صبحدم آب خضر نوش از لب جام گوهری

کز ظلمات بحر جست آینه سکندری (۱۵)

همچنین قصیده‌ای دیگر از او با مطلع:

پیش که صبح بردارد شقه چتر چنبری

خیز مگر به برق می برقع صبح بر دری (۱۶)

یا در ترکیب بندی از او با مطلع:

جام ز می دو قله کن، خاص برای صبحدم

فرق مکن دو قبله دان، جام و صفای صبحدم (۱۷)

همچنین در غزلی از او با مطلع:

خاک شدم در تو را آب رخم چرا بری؟

داشتمت به خون دل خون دلم چرا خوری؟ (۱۸)

همچنین غزلی دیگر از او با مطلع:

ای رخ نور پاش تو، پیشه گرفته دلبری

رونق آفتاب شد، ز آن رخ همچو مشتری (۱۹)

همچنین قصیده‌ای از فلکی شروانی با مطلع:

دوش چو کرد آسمان، افسر زر ز سر یله

ساخت ز ماه و اختران، یاره و عقد و مرسله (۲۰)

یا غزلی از مجیر الدین بیلقانی با مطلع:

داد دلم به دست غم، طره دلربای تو

برد به عرض بوسه جان، عارض جانفزای تو (۲۱)

چنانکه مشاهده می‌شود این وزن در شعر این شاعران در عین اینکه رقصان است وقار و جلال خاصی دارد و از نوع شعر فخیم (۲۲) به شمار می‌رود.

۳- به کارگیری انواع و اقسام اصطلاحات: یکی از مهمترین خاصه‌های سبکی

شاعران این سبک بهره‌گیری از انواع اصطلاحات علمی، کلامی، فلسفی، مذهبی و همچنین انواع اصطلاحات مربوط به اقسام بازیها، آداب و رسوم مردم و موسیقی می‌باشد، این شاعران در این بهره‌گیری‌ها گاه به افراط کشیده می‌شوند. یکی از علل این نوع کاربردها فضل و دانش فراوان صاحبان این سبک است، شاعرانی مثل نظامی، خاقانی، فلکی از معلومات فراوانی برخوردار بودند و این معلومات را در اشعار خویش می‌گنجانیدند از این رو دیوان اشعار آنان هر چند بعضاً مشکل و غامض به نظر می‌رسد و برای فهم تمامی آنها باید به علوم و فنون فراوانی متوسل شد اما در عین حال این دواوین علاوه بر ارزش هنری و شعری‌شان خود یک دائرة المعارف گرانبها و سودمند محسوب می‌گردند. کاربرد اصطلاحات علوم و فنون در اشعار شاعران آذربایجانی در مجموع بیش از کاربرد اینگونه اصطلاحات در اشعار شعرای سبک عراقی است.

ذیلاً به چند نمونه از این نوع بهره‌گیری‌ها از اصطلاحات مختلف اشارت

می‌شود:

الف- اصطلاحات نجوم و هیأت:

اغلب این شاعران به نجوم و هیأت علاقه داشته‌اند و بعضاً منجم نیز بوده‌اند چنانکه در باب فلکی شروانی چنین گفته‌اند. (۲۳) اینک نمونه اشعار:

کعبه قطب است و بنی آدم بنات النّعش وار

گرد قطب، آسیمه سر شیدا و حیران آمده

خاقانی (۲۴)

کرده منجم فلک، حکم کز اخترت بود فسخ لوای ظالمی، خسف بنای کافری

خاقانی (۲۵)

مشری وار به جوزای دورویم به وبال

چکنم چون سوی سرطان شدنم نگذارند

خاقانی (۲۶)

هم نعل بیفکنند هم سم

وقت است که مرکبان انجم

در هم شکنند گوهر درج

وقت است که این دوازده برج

تحفة العراقین خاقانی (۲۷)

دوش چو کرد آسمان، افسر زر ز سر یله

ساخت ز ماه واختران، یاره و عقد و مرسله

شکل فلک خراس شد، مهر چو دانه آس شد

عقده راس داس شد، از پی کشت سنبله

طرف جبین نموده ماه، از طرف بساط شاه

آمده با قبول و جاه، از قبل مقابله

از پی تیر آسمان، ساخته ماه نو کمان

تا ز کمان به بدگمان، همچو یلان کند یله

فلکی شروانی (۲۸)

سنگ زحل بر قدح زهره زن

حقّه مه بر گل این مهره زن

جبهه بیفت اخبیه گو بر مخیز

گرد شب از جهت گردون بریز

مخزن الاسرار نظامی (۲۹)

زهره، سر تا پای، همچون ذره در رقص است از آنک

کم زنان آسمانش، باده افزون کرده‌اند

نسر طایر را، چوبازچتر سلطان جهان

در کریز طارم پیروزه، مسجون کرده‌اند

مجیر الدین بیلقانی (۳۰)

ب- اصطلاحات طبی و دارویی:

یا کجا نوش مهره بی ماری
زهر در نوش و نوش در زهر است

رطبی کو که نیستش خاری
حکم هر نیک و بد که در دهر است

هفت پیکر نظامی (۳۱)

از ناخنه روید استخوان باز

در دیده ابلق جهان تاز

تحفة العراقین خاقانی (۳۲)

کافور و پیل آنک بهم، پیل دمان کافور دم
کافور هندی در شکم، بر دفع گرما ریخته
کلک طیب انس و جان، تریاق اکبر در زبان

صفرایشی لیک از دهان، قی کرده سودا ریخته
خاقانی (۳۳)

گر مرا خون مانده بودی در عروق
آری ار گل بوی بدهد بی خلاف
چون عرق خونم گشادی از مسام
صاحب سرسام را گیرد زکام
فلکی شروانی (۳۴)

ج- اصطلاحات انواع بازیها:

ز ابتدا سر مامک غفلت نبازیدم چو طفل

زانک هم مامک رقیبم بود و هم مامای من
خاقانی (۳۵)

کم زنان نرد دغا باختن آغاز کنند
مهره خصم بر امید مششدر گیرند
مجیرالدین بیلقانی (۳۶)

هفت طواف کعبه را هفت تنان بسند بس

ما و سه پنج کعبتین داو به هفت و داوری
خاقانی شروانی (۳۷)

از اسب پیاده شو بر نطع زمین رخ نه

زیر پی پیلش بین شه مات شده نعمان

ای بس شه پیل افکن کافکنده به شه پیلی

شطرنجی تقدیرش درمانگه حرمان
خاقانی شروانی (۳۸)

۴- بهره گیری از انواع تلمیحات - تلمیح درسبک آذربایجانی جایگاه والا و خاصی دارد. اشعار این سبک مشحون است به انواع مختلف تلمیحات و این نیز یکی از دلایلی است که دیوان این شاعران را غنی و سرشار از معارف ساخته است. در اشعار این شاعران همه نوع تلمیح دیده می شود مثل تلمیح به تاریخ اسلام و حوادث جزئی و کلی آن، تاریخ ایران قبل از اسلام و بعد از آن، آیات قرآنی و

احادیث اسلامی، داستان پیامبران(ع) و اساطیر. شاید کمتر صفحه‌ای از صفحات این دواوین خالی از اینگونه تلمیحات باشد.

ذیلاً به چند نمونه از اینگونه تلمیحات در اشعار این شاعران اشارت می‌شود:
الف- تلمیح به حوادث تاریخی ایران و حماسه‌های ملی:

آسمان هر که بزاید بکشد زانک فریادرسش نشناسد
روستم بین که به خونریز پسر کند آهنگ و پیش نشناسد

خاقانی شروانی (۳۹)

به آیین کیخسرو تخت گیر که برد از جهان تخت خود بر سریر
بفرمود میلی برافروختن بر او روشن آینه‌ای ساختن

اقبالنامه نظامی (۴۰)

عدو شکار چو رستم، جهانگشای چو آرش

خرد پرست چو دستان، هنرنمای چو نیرم

فلکی شروانی (۴۱)

ب- تاریخ اسلام و داستان پیامبران:

این دو بیت از نظامی در نعت حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است:

خنده خوش زان نزدی شکرش تا ببرد آب صدف گوهرش
گوهر او چون دل سنگی نخست سنگ چرا گوهر او را شکست

مخزن الاسرار نظامی (۴۲)

باد صبحست که مشاطه جعد چمنست یا دم عیسی پیوند نسیم سمنست

مجیرالدین بیلقانی (۴۳)

یافت با ماهی چو یونس انس در دریای چرخ

تا شود زین پس به اعجازش جهان آراسته

فلکی شروانی (۴۴)

عیسی از چرخ برون آید و ادریس ز خلد

کاین دو را زله ز خوان پایه طاها بینند

خاقانی شروانی (۴۵)

چنانکه می‌دانیم به دلیل اینکه مادر خاقانی ابتدا مسیحی نسطوری بوده وی به